

# سرمایه اجتماعی و پیوند آن با پلیس جامعه محور

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۱/۲۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱/۲۸

منوچهر علی نژاد\*

## چکیده:

جامعه محوری در پلیس نوعی بازگشت مجدد پلیس به جامعه است آن هم نه یک بازگشت فیزیکی و ظاهری، بلکه بازگشت رویکردی و نگرشی که اصل پیشگیری از وقوع جرم و اصل رضایت شهروندی نتیجه و ماحصل آن می باشد. سرمایه اجتماعی توان‌ها و استعداد‌های نهفته در بطن جامعه است که در بستر نهادهای مدنی و رسمی بروز پیدا می‌کند و با جامعه محوری دارای پیوند معنایی است. سرمایه اجتماعی به پلیس امکان می‌دهد تا اعتماد، مشارکت مردمی و نهادهای مدنی را در جهت کنترل هر چه بهتر جامعه و رهایی از داهای پلیسی به‌کار گیرد. نتیجه اساسی این است که جامعه محوری و سرمایه اجتماعی هر دو به‌عنوان مکانیزم‌هایی عمل می‌کنند که استعداد‌های نهفته در ذات جامعه را در جهت انسجام، وحدت اجتماعی و تحکیم پایه‌های کنترلی به‌کار می‌گیرند. روش تحقیق استفاده شده در این مقاله کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و سعی گردیده در بررسی موضوع ابعاد نظری موضوع سرمایه اجتماعی و جامعه محوری و مصادیق تجربی آن ارائه شود.

## کلید واژه‌ها:

پلیس جامعه محور، سرمایه‌ی اجتماعی، نهادهای مدنی، مشارکت اجتماعی.

\*. دانشجویی دکترای دانشگاه تهران - جامعه‌شناسی توسعه

### مقدمه

در یک برآورد کلی می‌توان به ضرورت کنترل اجتماعی و لزوم مردمی بودن آن پی برد؛ مبنی بر این که بشر در اجتماعات اولیه به صورت خودجوش و نظام‌مند در پی تامین مایحتاج و امنیت محل زندگی خود بوده است و در این راستا با نیروهای حاکم بر طبیعت و با هموعان خود درگیر شده و در اثر این منازعات و برخوردها زمینه شکل‌گیری تشکلهای مردمی در قالب کمون‌های اولیه صورت گرفته است.

تقسیم کار اجباری و تلاش برای استقرار و تسخیر یک قلمرو خاص، بسترساز پیدایش اجتماعاتی شده که ایجاد استحکامات، برج و بارو و وضع قوانین و قراردادهای منسوب به قبیله و طایفه، از ویژگی‌های آن بوده و بستر ساز تحقق اجتماعات انسانی با فرهنگ تابعیت و قواعد کنترلی خاص خود شده است که در نهایت همه افراد گروه را ملزم به حمایت و تبعیت از آن نموده است.

اساساً متناسب با الگوهای توسعه در هر جامعه‌ای، کنترل درون گروهی و یا برون‌گروهی مبنای عمل بوده و هر اجتماعی با استفاده از مکانیزم‌های سنتی یا مدرن به تامین امنیت در جامعه می‌پرداختند. ولی تجربیات حاصل از تاریخ تمدن کشورها در حوزه امنیتی و انتظامی، نشانگر عدم موفقیت سیستم‌های کنترلی یک سوء نگر و یک‌جانبه بوده و سعی بلیغ بر این بوده که ضمن استفاده از ابزارهای کنترلی پیچیده، از روش‌های سنتی و جامعه محور نیز استفاده شود. زیرا مساله امنیت بیش از آن که زاییده دنیای مدرن باشد ناشی از دغدغه ابناء بشر برای سلطه بر جبر طبیعت، اغراض شخصی، تاریخ و چالش‌های ناشی از دست‌آورد بشر بوده است.

در گذشته تاریخی ما شاهد ظهور و پیدایش نظام‌های کنترلی بودیم که بر پایه وجدان جمعی، همبستگی مکانیکی و ریش سفیدی، هر جرم مساوی با تنبیه یا طرد فرد از گروه و ذوب‌شدن فرد در فرامین کمون‌ها بوده و لزوم تحقق نظم و انسجام اجتماعی ايجاب می‌نمود که خواسته‌های جمع بر خواسته‌های فردی تقدم داشته باشد. لذا افراد از آزادی عمل کمتری برخوردار بودند و وجدان فردی تابعی از وجدان جمعی بود. اما به موازات رشد و توسعه کشورها و پیچیدگی ناشی از تقسیم کار، کنترل اجتماعی از جنبه درونی به جنبه بیرونی تسری پیدا کرد. همبستگی ارگانیک، قراردادهای اجتماعی، قانون مداری، تکوین

نهادهای اجتماعی و افزایش آزادی‌های مدنی جایگزین نظام‌های قبلی کنترل اجتماعی شد. نهادهای پلیسی نیز در فرایند شکل‌گیری متناسب با گسترش آسیب‌ها و جرایم اجتماعی روند رو به رشدی را طی نموده و تخصصی گردیدند. لذا قدر مسلم آن است که کنترل اجتماعی و وجود نهادهای انتظامی فارغ از دوره‌های زمانی دارای ضرورت کارکردی بوده و اجتناب‌ناپذیر است و هیچ زمانی را نمی‌توان مشاهده نمود که در آن نهادهای کنترلی و پلیسی وجود نداشته باشد. بر این اساس می‌توان استنباط نمود که ماهیت نظام‌های کنترلی اولاً متناسب با تحولات اجتماعی دگرگون شده و در ثانی صبغه تخصصی و حرفه‌ای به خود گرفته است.

اما بیم آن می‌رود که تخصصی‌گرایی در پلیس ما را در دام حرفه‌ای‌گرایی و جزم‌اندیشی ناشی از انجام وظایف و ماموریت‌های سازمانی گرفتار کند. به عبارت دیگر پلیس تصور کند که می‌تواند با پشتیبانی تکنولوژی و فناوری نوین و بدون همکاری و مساعدت‌های مردمی، گره جرایم و آسیب‌های اجتماعی را باز کند. این تصور غیر واقع، ممکن است پلیس را در دامی گرفتار کند که نتیجه آن کاهش هم‌نوایی اجتماعی، عدم درک مشکلات مردمی و افزایش فاصله بین مردم و پلیس شود.

جامعه محوری در پلیس با مفهوم سرمایه اجتماعی دارای پیوند معنایی و رویکردی است یعنی پلیس برای رسیدن به یک رویکردی جامعه محورانه بایستی اعتماد و مشارکت مردمی و نهادهای مدنی را جلب کرده و آن‌ها را در جهت تحقق اهداف سازمانی خود به کار گیرد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی مجموعه قابلیت‌ها و توانایی‌ها و ارزش‌های ملی است که پلیس با رویکرد جامعه محوری سعی در فهم، استنباط و به‌کارگیری آن‌ها در جهت کنترل اجتماعی دارد. لذا درک پیوندهای بین مردم و پلیس مستلزم درک پیوند بین سرمایه اجتماعی با جامعه محوری است. این که رویکرد جامعه محورانه در پلیس چه نوع رویکردی است؟ ابزارها و مکانیزم‌های موثر در تحقق آن کدامند؟ و سرمایه اجتماعی چگونه می‌تواند ما را در جهت رسیدن به اهداف سازمانی پلیس رهنمون کند؟ به‌عنوان سه محور عمده قابل بررسی در این پژوهش می‌باشند. در واقع هدف از انجام این پژوهش شناخت توانایی‌های بالقوه و بالفعل موجود در جامعه بعنوان سرمایه‌های اجتماعی است که موجبات افزایش رضایت‌مندی عمومی از عملکرد پلیس و اتخاذ رویکرد جامعه محورانه در کنترل اجتماعی می‌شود.

به لحاظ روش شناختی موضوع تحقیق یا بایستی مبتنی بر روش‌های کمی و با استفاده از ابزار پرسشنامه در حوزه میدان انجام شود و یا به صورت کیفی و با استفاده از ابزار مطالعات اسنادی و کتابخانه‌ای صورت پذیرد.

روش تحقیق استفاده شده در این مقاله کیفی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و سعی گردیده در بررسی موضوع ابعاد نظری موضوع سرمایه اجتماعی و جامعه محوری و مصادیق تجربی آن در قالب کارهای عملی انجام شده توسط محققان و نویسندگان احصاء گردیده و ارائه شود.

### جامعه محوری و پلیس جامعه محور:

اصطلاح پلیس جامعه محور در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد که مشخصه آن تغییر جهت از الگوهای سنتی کنترل اجتماعی به سمت جامعه محوری است که با احیای گشت پیاده، پلیس محلی و بازگشت به محله مشخص می‌شود. از نظر فریدمن پلیس جامعه محور عبارتست از راهبرد و خط مشی انتظامی که با هدف دستیابی به کنترل موثر و کارآمد جرائم، کاهش ترس از جنایت، توسعه کیفیت زندگی، گسترش خدمات پلیسی و مشروعیت کار پلیس از طریق تکیه بر منابع جامعه، در صدد تغییر شرایط جرم خیز هستند. این امر مستلزم مسئولیت پذیری بیشتر پلیس، سهیم شدن فعال‌تر و بیشتر جامعه در فرایند تصمیم‌گیری و توجه بیشتر به حقوق و آزادی‌های مدنی است (ترویانوویچ و باکوروکس، ترجمه مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، ۱۳۸۳، ص ۲۹).

از نظر ترویانوویچ و باکوروکس پلیس جامعه محور به این معنی است که پلیس بخشی از محله را تشکیل می‌دهد. این کار باعث می‌شود که شناخت بیشتری از نیازهای شهروندان داشته و به آن‌ها کمک نماید تا اعتماد بیشتری به پلیس پیدا کنند و شهروندان نیز به نوبه خود به پلیس می‌پیوندند و به همراه پلیس برای رسیدن به هدف مشترکی که عبارتست از داشتن محیط امن، تلاش کنند (همان منبع، ص ۹).

فعالیت‌های پلیسی در سطح اقدام شامل دو بخش بوده: سنتی که مبتنی بر مبارزه و مقابله با جرم، کنترل و بازداشتن از وقوع جرم است و بخش جامعه محور پلیس که مبتنی بر

پیشگیری و پیش‌دستی از وقوع جرم و ساماندهی آن است. تنها در جامعه محوری است که به منظور پیشگیری از وقوع جرم، ضرورت جلب مشارکت مردمی و توجه به تشکلهای مردمی به عنوان یک راهبرد غالب درآمده و بر این پیش فرض استوار است که شهروندان انسان‌های توانا و بالغ و به لحاظ علمی قابل اتکا هستند و می‌توان بسیاری از مسائل اجتماعی را با مشارکت و همدلی آن‌ها متحقق ساخت. لذا ایجاد مشارکت عمومی بین پلیس و جامعه در رویکرد پلیس جامعه محور یک اصل اساسی است که در بستر فیزیکی محله شکل می‌گیرد.

پلیس جامعه محور چیزی بیشتر از چینش نیروهای پلیس در خیابان‌ها، اعزام گشت پیاده یا پلیس محله است بلکه پلیس جامعه محور یک مکتب جامع فکری، روش مدیریتی و راهبرد سازمانی است که همه عوامل پلیس را در برمی‌گیرد و شیوه‌های موثر حل مشکل و مشارکت پلیس و جامعه را ارتقاء می‌بخشد این شیوه با روش‌های سنتی کنترل اجتماعی پلیس متفاوت است، زیرا این شیوه تحولی بزرگ در نحوه‌ی تعامل پلیس و جامعه و سازماندهی تشکیلات پلیس را شامل می‌شود (میس و اورتمایر، ترجمه شاکری، ۱۳۸۵، ص ۴۰۵). در این شیوه معیار عملکرد پلیس فقط تعداد دستگیری‌ها، سرعت پاسخ‌گویی به تماس‌های مردمی و تعداد تهرئه پلیس از اتهام خلاصه نمی‌شود بلکه میزان مشارکت شهروندان در امور، کاهش احساس ترس از وقوع جرائم، پیشبرد کیفیت زندگی و یافتن راه حل برای مشکلات مزمن اجتماع را شامل می‌شود (همان منبع، ص ۴۰۶). پس هدف اصلی جامعه محوری در پلیس از طرفی جلب مشارکت مردمی و حل مشکلات جامعه و از طرف دیگر پیشگیری از وقوع جرم است. لذا افزایش تعاملات مردمی با پلیس، پیش بینی و رصد کردن منابع جرم خیز و پیشدستی پلیس بر جرم از جمله اقدامات اصلی است.

اساساً جامعه محوری در پلیس اولاً رویکردی است جامع که ارتقاء کیفیت زندگی و پیشگیری از وقوع جرم رسالت و هدف آن رویکرد بوده و در ثانی با مکانیزم‌های خاصی صورت می‌گیرد که مبتنی بر محله‌گرایی، بومی سازی و بازگشت مجدد به محله است. لذا حضور فیزیکی صرف در محله، اصل نبوده بلکه هدف نزدیک ساختن پلیس و مردم به همدیگر و تلاش برای وحدت عملی در کنترل اجتماعی است. به عبارت دیگر تلاش برای بیرون کشاندن پلیس از چارچوب کلانتری و پاسگاه‌ها از یک طرف و ترغیب مردم برای افزایش انگیزه‌های خودکنترلی و رابطه تنگاتنگ با پلیس از طرف دیگر است.

### ویژگی‌های الگوی جامعه محوری :

- بر اساس الگوی جامعه محور جوامع به‌طور طبیعی می‌توانند خود را با شرایط وفق دهند و قدرت شناسایی و حل مسائل به‌دست بیاورند (قدرت انطباق در الگوی جامعه محور).
- افزایش درک و اعتماد بین پلیس و مردم و حاکم بودن روحیه برابری، احترام متقابل به شهروندان.
- معطوف نمودن توجه پلیس از رسیدگی به رویدادها به سمت حل مشکلات (ریشه‌یابی و توجه به علّت‌ها به‌جای معلول حوادث).
- برقراری رابطه و تعهد مداوم بین پلیس و جامعه و ایجاد انتظارات متقابل بین آن‌ها برای دستیابی به امنیت و رفاه اجتماعی.
- این رویکرد نیازمند دوراندیشی، برنامه ریزی راهبردی، کارگروهی و حل مشکل است.
- پلیس جامعه محور مامورین را متعهد می‌کند که از طریق تحصیل علم و گذراندن دوره‌های آموزشی نسبت به پرورش مهارت خود اقدام کند.
- کاهش تمزکزگرای در حوزه خدمات، عملیات و مدیریت و ترغیب و تشویق همه سطوح به خلاقیت و نوآوری برای حل مسائل (همان منبع، ص ۴۱۰).

### تبیین جامعه شناختی جامعه محور در پلیس :

امروزه بررسی دوگانه انگاری‌های<sup>۱</sup> نظری موجود در مطالعات مربوط به جامعه شناسی از دغدغه‌های اصلی جامعه شناسان است. تلاش برای رهایی نظریه‌های جامعه شناختی از چنگال تحلیل‌های دوگانه نظیر سنت و مدرنیته، همبستگی مکانیک و ارگانیک، ساختار و کنش، سنتی و صنعتی، اصالت فرد و جامعه، عرف و قراردادهای اجتماعی، ایستایی و پویایی و نظم و تغییر از جمله این تلاش‌هاست که هدف آن نیز رسیدن به یک اشتراک نظری واحد در تحلیل‌هاست، تا بتوانند دوگانگی‌ها را پوشش داده و تبیین واحدی از آن‌ها ارائه دهند. آنتونی گیدنز با مطرح کردن «نظریه ساختاربندی» سعی نمود نظریه تلفیقی از ساختارگرایان

1. Dualism

و نظریه کنش ارائه نماید. از نظر او «ساختارها در کنش و به واسطه کنش وجود دارند و ساختارها تنها مقید کننده نیستند بلکه چاره ساز نیز هستند» (کرایب، ترجمه مخبر، ۱۳۸۱، ص ۱۴۳). یان کرایب در کتاب نظریه اجتماعی مدرن به تحلیل دوگانگی‌های اجتماعی در جامعه شناسی پرداخته و سعی کرده نظریه‌های جامعه شناسی را از جنبه دوگانگی‌ها نجات دهد. لذا تبیین‌های مربوط به جامعه محوری در پلیس نیز نوعی برگشت نظری است که سعی دارد دوگانه انگاری‌های کنترل اجتماعی را از بین ببرد زیرا نتایج حاصل از کنترل‌های سنتی و مدرن نشان می‌دهد که روش‌های مکانیکی و تخصصی به تنهایی قادر به حل مشکلات جامعه نیست، بلکه ما نیازمند یک نظریه ترکیبی هستیم که در عین تخصصی‌گرایی از محله‌گرایی و مشارکت مردمی و نهادهای غیر رسمی نیز استفاده شود و در عین بها دادن به ساختار و سازمان پلیسی به کنش و تعامل شهروندان نیز توجه کند. لذا جامعه محوری از منظر دوگانگی جامعه شناختی در پی ارائه یک راه کار تلفیقی در حل مسائل انتظامی و امنیتی جامعه است.

از طرف دیگر جامعه محوری از منظر جامعه شناختی نوعی مساله محوری و تلقی مسائل اجتماعی به عنوان یک واقعیت اجتماعی است که نسبت به افراد جنبه بیرونی داشته و به لحاظ روش شناسی مستلزم نگرش درون نگرانه است. یعنی برای بررسی مسائل اجتماعی بایستی این نکته را مسلم فرض کنیم که بهنجاری‌ها و جرائم در هر جامعه‌ای وجود داشته و امری بدیهی تلقی می‌شود اما وقتی که از یک حد معمول فراتر رفت جنبه آسیبی پیدا کرده و بایستی به عنوان مساله اجتماعی مورد بررسی قرار بگیرد. از پیش‌داوری‌ها و قضاوت‌های شخصی و ارزشی باید اجتناب نمود و برای درک ماهیت مساله، چرایی و چگونگی وقوع جرم به روش همدلانه و مشارکتی عمل نمود. لذا ابزار و مکانیزم‌هایی که نهادهای کنترلی نظیر نیروی انتظامی در جهت کنترل مسایل اجتماعی در پیش می‌گیرند ما را به درک ماهیت پلیس جامعه محور نزدیک می‌سازد. مکانیزم‌هایی چون استفاده از نگهبان محله، گشت پیاده و محله‌گرایی و غیره. در واقع جامعه محوری در پلیس مستلزم رویکرد دو وجهی است که وجه اول آن نگرشی جامعه محورانه نسبت به مسائل اجتماعی و وجه دوم اتخاذ مکانیزم‌ها و ابزارهای مناسب برای تحقق آن می‌باشد. به عبارت دیگر بعد از شناخت مساله به شیوه مبتنی بر جامعه محورانه بایستی از آموزش‌های لازم، اصلاحات ساختاری مناسب و ابزارها و مکانیزم‌های بهینه برای حضور موثر پلیس در جامعه استفاده نمود.

## سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از مفهوم سرمایه اقتصادی اقتباس گرفته شده ولی به جای آن که بر جنبه‌های مادی، پولی و اقتصادی تاکید کند بر پتانسیل‌ها و توانایی‌های نهفته در بطن جامعه اشاره دارد که از جنس اعتماد، مشارکت و همدلی بوده و به تحکیم روابط اجتماعی افراد در دورن شبکه پیچیده‌ای از نهادها و سازمان‌های رسمی و غیررسمی می‌انجامد و در نهایت این شبکه روابط موجب شکل‌گیری سرمایه‌ای می‌شود که اجتماعی بوده و به افزایش رضایت‌مندی عمومی، بالا رفتن کیفیت زندگی و کاهش هزینه‌های زندگی مردم می‌انجامد. از یک منظر سرمایه اجتماعی در برگیرنده مجموعه‌ای از سرمایه‌های ملی و محلی است که معرف هویت و چیستی ماست و در نوع خود به‌عنوان مکانیزمی عمل می‌کند که منشاء اتحاد، انسجام و کنترل اجتماعی می‌گردند. این سرمایه‌های اجتماعی شامل مجموعه‌ای از ارزش‌ها و آرمان‌های ملی و مذهبی هستند که در قالب هویت‌های چهارگانه ملی، اسلامی، قومی و مدرن بروز پیدا می‌کند. یکی از مسائل امنیتی و انتظامی موجود در کشور چالش‌های پیش‌روی هویت‌های چهارگانه است که بستر ساز بسیاری از جرایم اجتماعی است. به دنبال ورود مدرنیته به ایران، فرهنگ ایرانی - اسلامی ما با چالش‌های جدی روبرو شد و با توجه به ویژگی‌های فرهنگی متکثر در ایران لازم بود تا راه کارهای بهینه مقابله با نفوذ فرهنگ غیر خودی و تحکیم پایه‌های خودی صورت گیرد لذا تلاش برای وحدت قومی - ملی و اسلامی و عدالت محوری در تعامل با سرمایه‌های ملی و محلی از ضروریات است و بر پلیس فرض است که ضمن شناخت کامل هویت‌های چهارگانه داخل کشور، با برنامه‌ریزی و اتخاذ سیاست‌های مناسب زمینه انسجام و کنترل اجتماعی را فراهم آورد.

سرمایه اجتماعی از نظر جایگاه در کنار سرمایه‌ی فکری (به مفهوم دانش کاربردی سازمان) و در زیرمجموعه سرمایه انسانی قرار می‌گیرد. ایده سرمایه اجتماعی برای اولین بار توسط دانشمندان علوم اجتماعی در مفهوم وسیع ثروت اجتماعی و درآمد اجتماعی وارد ادبیات شد. اما در سال‌های اخیر آسیب‌هایی که جوامع و سازمان‌ها با آن مواجه‌اند اندیشمندان علوم مدیریت را به استفاده از این مفهوم تشویق کرده است. در حالت اخیر ایده سرمایه اجتماعی، مجموع ارزش اقتصادی حاصل از شبکه نرم افزاری از هنجارها و ارزش‌ها را که از طریق تسهیل رفتارهای جمعی مردم و افراد را به هم وصل می‌کنند در بر می‌گیرد.



سرمایه‌ی اجتماعی برخلاف فردگرایی - که طبق آن هر فردی حاکم مطلق سرنوشت خویش است و بر اساس توانایی‌ها و تلاش‌های خود موفق شده و یا شکست می‌خورد - معتقد است سرنوشت هر کسی به روابطی که او با دیگران دارد بستگی دارد.

تعاریف متنوع ارائه شده از سرمایه‌ی اجتماعی در چهار عنصر با هم مشترکند:

- مشارکت در شبکه‌ها؛
- عملکرد متقابل؛
- هنجارهای اجتماعی؛
- اعتماد؛

سرمایه اجتماعی آثار و نتایج مثبت فراوانی در پی دارد که از جمله می‌توانیم به موارد ذیل اشاره کنیم :

- اعتمادسازی؛
- ایجاد یکپارچگی و هم‌کاری؛
- تقویت درک متقابل؛
- یافتن شغل؛
- بهره‌وری و شیوه‌های نظارت؛
- افزایش خلاقیت؛
- شتاب گرفتن داد و ستدها و معاملات؛

چنانچه بخواهیم سرمایه‌ی اجتماعی را در سازمان خود تقویت کنیم راه‌های زیر توصیه شده است:

- تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی و حرفه‌ای؛
- برنامه ریزی برای غنی سازی فرهنگ اجتماعی و سازمانی؛
- توجه به ارتقای سرمایه در آموزش؛
- پرورش حس همکاری؛
- دلبسته کردن کارکنان به سازمان؛
- شاخص‌های سرمایه اجتماعی عبارتند از :

- میزان فعالیت و مشارکت در تشکلهای اجتماعی (نظیر تشکلهای دانشجویی، بسیج محله، نهادهای اجتماعی، مذهبی، احزاب سیاسی و کانون‌های آموزشی، فرهنگی و هنری).

- میزان اعتماد اجتماعی (به خانواده، دوستان، همسایگان، همکاران، شهروندان و هم‌نوعان).
  - دامنه روابط اجتماعی (با دوستان و هم‌نوعان، با شهرداری، نماینده مجلس، مدیران کل، استانداران، وزرا و رؤسای ادارات) (فردین، ۱۳۸۳، ص ۳۰۸).
- از نظر فوکویاما این شاخص‌ها عبارتند از اعتماد متقابل، تعامل اجتماعی متقابل، گروه‌های اجتماعی، احساس هویت جمعی و کار گروهی مشترک و احساس وجود تصویری مشترک از آینده است (به نقل از دعاگویان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۳)

### رویکردهای سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> برای نخستین بار توسط "لیدا جی هانفان" سرپرست مدارس ویرجینیای غربی آمریکا به کار گرفته شد که برای توضیح اهمیت مشارکت دانش آموزان در تقویت حاصل کار مدرسه اشاره داشت (به نقل از تاج‌بخش، ۱۳۸۴، ص ۵۳۴). و بعدها در دهه‌های ۱۹۵۰، الی ۱۹۷۰ در اندیشه نظریه‌پردازان مبادله و انتخاب عقلانی مطرح گردید. فرانسیس فوکویاما در کتاب معروف پایان نظم عنوان کرد که از نظر او شبکه‌های اجتماعی در ارتباط با نظافت، مبارزه با جرایم و دیگر تصمیمات مربوط به کیفیت زندگی مردم بهتر از نهادهای رسمی و پلیسی عمل می‌کنند (همان منبع، ص ۱۰). او سرمایه اجتماعی را شبکه‌ای از روابط اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح زندگی افراد جامعه و پایین آمدن سطح هزینه‌های زندگی جمعی می‌گردد (دعاگویان، ۱۳۸۰، ص ۲۳). از نظر او هر چه سرمایه اجتماعی در یک سیستم بالاتر باشد موجب پایین آمدن هزینه‌های مربوط به این تعاملات رسمی می‌گردد. این امر به دلیل هزینه‌های بالای نظارت و کنترل اجتماعی است. همچنین از نظر فوکویاما هر چه یک نهاد اجتماعی دارای شعاع اعتماد اجتماعی بالاتری باشد سرمایه اجتماعی نیز بالاتر خواهد بود (همان منبع، ص ۱۰۵). از نظر جان فیلد اصطلاح سرمایه اجتماعی به صورت انضمامی در اندیشه مارکس، وبر، دروکیم و جورج زیمل یافت می‌شود. برای جان فیلد مساله اصلی سرمایه اجتماعی نحوه استقرار افراد و گروه‌ها در شبکه‌های اجتماعی و کم و کیف در افتادن کنش‌گران با این شبکه‌هاست. جان فیلد هم به جنبه‌های مثبت و جنبه‌های منفی اشاره دارد. به نظر او اساساً سرمایه اجتماعی به عنوان تیغ دولبه عمل می‌کند. یعنی ممکن است کنش‌گران از شبکه‌های اجتماعی به عنوان ابزاری برای رسیدن به

1. Social Capital

مقاصد اجتماعی بهره ببرند (فیلد، ترجمه‌ی تقی، ۱۳۸۶، ص ۲۲). بوردیو نیز مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌عنوان ابزاری می‌داند که به بازتولید نابرابری دسترسی به منابع تحصیلی می‌انجامد. سرمایه اجتماعی برای او به معنی به‌دست آوردن موقعیت‌های اجتماعی و برخورداری از شبکه‌های کمابیش گسترده‌ای از روابط، دوستان و آشنایان است که می‌تواند در مواقع ضروری به نفع فرد وارد عمل شود. سرمایه اجتماعی موجب می‌شود که اعضای یک جامعه به هم اعتماد کنند و به تشکیل گروه‌ها و مجامع داوطلبانه بپردازند. سرمایه اجتماعی توانایی کار جمعی و معاشرت‌پذیری، قابلیت اعتماد کردن و حسن انجام وظیفه است (به نقل از دعاگویان، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

رابرت پاتنام نیز از جمله نظریه پردازانی است که مفهوم سرمایه اجتماعی را به‌صورت مقایسه‌ای در شمال و جنوب کشور ایتالیا بررسی کرده و در نهایت نتیجه گرفته که سرمایه اجتماعی در شمال ایتالیا به‌دلیل وجود نهادهای مدنی و غیررسمی و مشارکت مردم با این نهادها بسیار بالاتر از جنوب ایتالیا است که فاقد نهادهای مدنی و مشارکت مردمی می‌باشد (پاتنام، ترجمه دلفروز، ۱۳۸۰، ص ۳۰۰).

### جایگاه سرمایه اجتماعی و جامعه محوری در پلیس

اساساً الگوی جامعه محوری در پلیس سعی دارد سرمایه‌های اجتماعی حاکم بر جامعه را شناخته و آن‌ها را در جهت تحقق اهداف سازمانی به کار گیرد. این امر مستلزم آن است که ما شناختی دقیق و موشکافانه از استعدادها و پتانسیل‌های موجود جامعه داشته باشیم و از طرف دیگر ساختار، ماموریت‌ها و رفتارهای سازمانی خود را متناسب با قابلیت‌های اجتماعی موج و تعدیل کنیم، این همان ویژگی انطباق‌پذیری پلیس در جامعه می‌باشد که نیازمند بازاندیشی مداوم در ماموریت‌ها و رفتارهای سازمانی است. به‌عبارت دیگر رویکرد جامعه محوری براین پیش‌فرض استوار است که حلال مشکلات اجتماعی، خود مردم هستند، لذا پلیس بایستی با بسیج عمومی مردم، قابلیت‌های اجتماعی نهفته در جامعه را به منظور حل مشکلات اجتماعی به کار گیرد. در واقع سرمایه اجتماعی در جامعه به پلیس امکان می‌دهد تا استعدادها و پتانسیل‌های موجود جامعه را در جهت کنترل موثر بر جرائم و آسیب‌های اجتماعی رصد نماید و این امر مستلزم تعاملات سازنده و پیگیرانه پلیس با مردم می‌باشد که در جامعه محوری نمود پیدا می‌کند.

همان‌طور که گفته شد سرمایه‌های ملی و محلی از مصادیق وحدت بخش و انسجام دهنده در جامعه هستند که به‌عنوان مکانیزمی کنترلی در خدمت مردم و جامعه عمل می‌کنند. ولی امروزه با توجه به گستره ارتباطات جهانی و تاثیرات ناشی از جهانی شدن صنعت فرهنگ و تکنولوژی، سرمایه‌های ملی و محلی در معرض چالش‌ها و تهدیدات جدی قرار دارند، مفاهیمی چون بحران هویتی، شبیخون فرهنگی و چالش‌های قومی \_ مذهبی از جمله آن‌هاست که عرصه‌های هویتی و فرهنگی ما را با چالش جدی روبه‌رو ساخته است لذا درک سرمایه‌های ملی و محلی و لزوم پاسداری از آن‌ها، برخورد منطقی با اقلیت‌های قومی و مذهبی، رعایت حقوق مدنی و شهروندی آن‌ها و تلاش برای جلب رضایت همه شهروندان از جمله اقدامات ضروری است که پلیس باید در برنامه‌های خود این امور را مدنظر قرار دهد. رعایت اصل جامعه محوری در پلیس به ما امکان می‌دهد که متناسب با ویژگی‌ها و شرایط محلی و منطقه‌ای و با در نظر گرفتن وجوه فرهنگی اقلیت‌های قومی و مذهبی به اداره امور جامعه بپردازیم. لذا تلاش برای تمرکززدایی در پلیس، ارایه الگوی پلیس تخصصی، محله‌گرایی و بومی‌سازی پلیس از راه‌کارهای بهینه در جهت فرصت‌سازی از تهدیدات بالقوه در جامعه است که ایده پلیس جامعه محور این امکان را فراهم می‌آورد.

### رهایی از دام‌های متداول پلیسی با جامعه‌ی محوری و سرمایه‌ی اجتماعی

به دنبال ورود مدرنیزاسیون و شکل‌گیری نظام دیوان سالاری و بوروکراتیک با نظام برنامه‌ریزی متمرکز، بسترهای اندیشه تخصصی‌گرایی در پلیس شکل گرفت. پلیس در این دوره فرض می‌کرد که با پشتیبانی تکنولوژی قادر به کنترل اجتماعی خواهد شد، غافل از آن‌که سرمایه‌های اصلی هر حرکتی، پشتیبانی‌های مردمی می‌باشد. در اصل دام‌های نظام‌مند به دام‌های علمی، تئوریک و نظری اشاره دارد که مبنای رویکردهای پلیسی را تشکیل می‌دهند. پیچیدگی و تنوع جرائم در دنیای مدرن سازمان‌های پلیسی را ملزم به استفاده از تکنولوژی‌های نوین و کارآمد در جهت شناسایی جرم و مجرم کرده و پلیس را بر آن وا می‌دارد که متناسب با گستره جرائم از دست‌آوردهای نوین علمی استفاده نماید، زیرا در غیر این صورت قادر به کنترل اجتماعی نخواهد شد. لذا جهت‌گیری به‌طرف استفاده از تکنولوژی نوین در عرصه‌های پلیسی، تخصصی شدن و حرفه‌گرایی را به‌همراه دارد که در عین راه‌گشا بودن، مسأله ساز نیز می‌باشد.

طرد روش‌های سنتی کنترل اجتماعی، رو آوردن به روش‌هایی نوین علمی و تبعیت محض از نسخه‌های علمی و تئوریک ممکن است پلیس را در دامی گرفتار کند که اغلب برخاسته از دست‌آوردهای علمی و تکنولوژیک بوده و روحیه انسانی و عاطفی را در پلیس تبدیل به ماشین مکانیزه کنترل اجتماعی می‌کند و سطح روابط پلیس با مردم را خدشه دار می‌سازد. لذا بر مبنای نگرش نظام‌مند هر چند استفاده از دست‌آوردهای مدرن در حوزه پلیسی غیر قابل اجتناب است ولی استفاده بی‌رویه از آن نیز پلیس را در قفسی آهنین گرفتار می‌کند که ناشی از اهتمام بیش از حد به فناوری است.

دام‌های تجربی به روش‌های ناکارآمد سنتی و استبدادی، به ابزارها و مکانیزم‌های کنترلی نامناسب و برخورد‌های تعصب آمیز و غیر علمی اشاره دارد که به‌عنوان روش‌های قدیمی کنترل اجتماعی با تحولات نوین اجتماعی تناسب و هماهنگی ندارد. دام‌های تجربی معمولاً از قدمت تاریخی برخوردارند. در این دام‌ها اغلب فرض می‌شود که روش‌های استبدادی و تحمیلی کارآمد بوده و ابزارهایی هم‌چون تهدید، ارعاب و زور در کاهش جرائم اجتماعی موثراند. حضور مردمی در این عرصه کم‌رنگ بوده و رفتارهای کنترلی در پلیس با نظامی‌گری همراه است. در واقع دام‌های تجربی چالش بزرگی است که پیش‌روی نگرش‌ها، رویه‌ها و مکانیزم‌های کنترلی پلیس قرار دارند که اغلب سلیقه‌ای و خارج از قوانین و مقررات پلیس است.

در رویکرد تجربی فرض بر این است که تجربه مقدم بر دست‌آوردهای علمی بوده و در کنترل اجتماعی باید از روش‌هایی استفاده کنیم که آزموده شده و لذا بدون لحاظ کردن تغییرات محیطی و شرایط فضایی جرم و جنایت، می‌توان به پیشگیری از جرم اهتمام ورزید. غافل از آن که تک بعدی و یک جانبه‌نگری در مباحث مربوط به کنترل اجتماعی خود دلیلی بر افزایش جرم در جامعه است. براین اساس پلیس بایستی هم‌زمان هم از دام‌های نظام‌مند و هم از دام‌های تجربی دوری کند.

جامعه محوری و سرمایه اجتماعی از جمله رویکردهایی هستند که امکان‌رهایی پلیس از دام‌های نظام‌مند و تجربی را فراهم می‌سازد. از این منظر پلیس جامعه محور به‌طور دایم در ارتباط با جامعه بوده، دیدگاه‌ها و نظرات آن‌ها را در جهت اصلاح عملکردها و رویه‌های پلیسی به کار می‌گیرد و از طرفی سرمایه اجتماعی به‌عنوان مکانیزمی عمل می‌کند که اعتماد، مشارکت و پتانسیل‌های اجتماعی موجود در جامعه در جهت تحقق اهداف امنیتی و پلیسی به کار گرفته شوند.

به عبارت دیگر لازمه رهایی از دام‌های نظام‌مند در پلیس پشتیبانی هم‌زمان تکنولوژیک و مردمی در جهت مقابله با جرائم اجتماعی است. که با رویکرد بومی‌سازی، محله‌گرایی و انسان محوری در پلیس صورت می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری و ارائه‌ی پیشنهادات:

همان‌گونه که ارائه شد کنترل اجتماعی در گذشته تاریخی به شیوه‌های مکانیکی و بر پایه وجدان جمعی و کنترل درون گروهی بوده و با گذر زمان از جنبه‌های سنتی به مدرن تغییر ماهیت داده و متناسب با تحولات اجتماعی، تخصصی و پیچیده گردیده است، لذا وجود نهادهای انتظامی و کنترلی، فارغ از دوره‌های زمانی دارای ضرورت کارکردی بوده و اجتناب‌ناپذیر است و هیچ زمانی را نمی‌توان مشاهده نمود که در آن نهادهای کنترلی و پلیسی وجود نداشته باشد. بر این اساس هر جامعه‌ای در هر دوره‌ای متناسب با شرایط اجتماعی خاص آن دوره، الگوهای کنترلی اتخاذ می‌کند که مکانیزم‌ها، شیوه‌ها و قواعد سازمانی خاص خود را داشته و سعی می‌کند با پشتیبانی عوامل مختلف به کنترل اجتماعی بپردازد.

الگوی جامعه محور از جمله الگوهایی است که از نکات قوت و ممتاز سایر الگوهای کنترلی نشأت گرفته و نتیجه و ماحصل آنها می‌باشد. لذا وجوه مثبت آنها را دارا بوده و از نقاط ضعف آن میرا می‌باشد. بر این اساس الگوی پلیس جامعه محور بر فراز سایر الگوهای کنترلی قرار گرفته و سعی دارد ضمن رجعت مجدد به جامعه، از توانایی و سرمایه‌های اجتماعی نهفته در جامعه نیز استفاده نماید. حرکت از الگوی سنتی کنترل اجتماعی به سوی الگوهای مدرن و کارآمد مستلزم یک الگوی جامعه محور است که در آن بازگشت به جامعه در کسوت پلیس مدرن امکان پذیر می‌گردد. یعنی پلیس جامعه محور سعی دارد در شرایط پیچیده اجتماعی و با جرایم متنوع آن، ضمن استفاده از پشتیبانی‌های فناوری و تکنولوژیک از حمایت‌های مردمی نیز برخوردار باشد. گرایش هم‌زمان به تخصصی‌گرایی و کنترل سنتی، استفاده از رسانه‌های عمومی در جهت تعامل با مردم، توجه به محله با گرایش‌های جهان‌شمولی، تجربه محوری، بومی‌سازی دانش‌های علمی و استفاده از تجربیات پلیس‌های جهانی در ابعاد محلی و منطقه‌ای از جمله ویژگی‌های جامعه محوری است.

در نهایت تلاش برای رهایی از چنبره دام‌های پلیسی (تجربی - نظام‌مند) و دوگانگی‌های نظری (سنتی - مدرن) و کوشش برای استفاده از سرمایه‌های اجتماعی نهفته در بطن جامعه با

استفاده از مکانیزم‌های مدرن و ارائه رویکرد تلفیقی، بنیان‌های نظری اندیشه جامعه محوری را تشکیل می‌دهد که رعایت اصل انسان محوری، رضایت شهروندی و پیشگیری از وقوع جرم هدف نهایی آن می‌باشد.

در پایان در خصوص مفهوم جامعه محوری و سرمایه اجتماعی باید اذعان کرد که هر دوی این مفاهیم دارای مضامین معنا و نظری مشترک فراوانی بوده و از یک منشأ نظری واحد برخاسته‌اند و آن‌هم ضرورت دخالت مردم در سرنوشت خود و مشارکت فعال آن‌ها در امور مربوط به خود می‌باشد. لذا هر دو دیدگاه به توانمندسازی و دخالت مردم در سرنوشت خود اشاره دارند، هر دو به صورت فیزیکی وجود ندارند بلکه جنبه رویکردی و نگرشی هستند، هر دو به توانایی‌ها و پتانسیل‌های نهفته در بطن جامعه اشاره دارند، هر دو مفهوم مدنی هستند که در یک جامعه مردم سالار معنی پیدا می‌کنند، هر دو بر اصل رضایت‌مندی مردمی تأکید داشته و رویکرد انسان‌مدارانه دارند و در نهایت هر دو به‌عنوان مکانیزمی عمل می‌کنند که نهایتاً به کنترل اجتماعی جامعه توسط پلیس و مردم می‌انجامد. (جدول شماره ۱)

جدول شماره (۱): ترسیم ویژگی‌ها و وجوه اشتراک جامعه محوری و سرمایه اجتماعی

جامعه محوری در پلیس	سرمایه اجتماعی در جامعه
<ul style="list-style-type: none"> <li>- هدف اصلی پیشگیری است تا مبارزه.</li> <li>- هدف افزایش رضایت شهروندی است.</li> <li>- هدف نوعی بازگشت پلیسی به جامعه است.</li> <li>- تأکید بر اصل توانمندسازی مردم جهت دخالت در امور انتظامی خود</li> <li>- با عناوین پلیس راهبردی، پلیس مساله محور و پلیس محله شناخته می‌شود.</li> <li>- با پیشرفت فناوری و حرفه‌گرایی در پلیس ملازم است.</li> <li>- افق جدیدی از پلیس را در جامعه مردم سالار معرفی می‌کند.</li> <li>- مبتنی بر تلفیق رویکردهای سنتی و مدرن کنترل اجتماعی می‌باشد.</li> <li>- دو رکن پلیس جامعه محور عبارتند از مشارکت اجتماعی و حل مشکل.</li> <li>- در پلیس جامعه محور مردم و پلیس یک حقیقت تفکیک ناپذیرند.</li> <li>- پلیس جامعه محور یک مکتب فکری، روش مدیریتی و راهبرد سازمانی است.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مفهوم مدنی است که در ارتباط با نهادهای مدنی و سازمانی مطرح می‌شود.</li> <li>- شاخص‌های آن میزان فعالیت و مشارکت در متن اجتماع، شبکه اعتماد اجتماعی و دامنه روابط اجتماعی است.</li> <li>- موجب پایین آمدن سطح هزینه تبادلات و ارتباطات میگردد.</li> <li>- سرمایه اجتماعی سرمایه فیزیکی نیست بلکه حاصل تعاملات و هنجارهای گروهی و اجتماعی است.</li> <li>- سرمایه اجتماعی در سطح ملی و محلی نوعی احساس هویت جمعی و مشترک است.</li> <li>- سرمایه اجتماعی امکان دسترسی متفاوت افراد به منابع و امکانات را می‌دهد.</li> <li>- سرمایه اجتماعی ممکن است منجر به نابرابری اجتماعی شود.</li> <li>- مبتنی بر اصل شناخت استعدادها و توانایی‌های نهفته در ذات جامعه است</li> </ul>

ادامه‌ی جدول شماره (۱): ترسیم ویژگی‌ها و وجوه اشتراک جامعه محوری و سرمایه اجتماعی

وجوه اشتراک سرمایه اجتماعی و جامعه محوری
<ul style="list-style-type: none"> <li>- هر دو به توانمندسازی و دخالت مردم در سرنوشت خود اشاره دارند.</li> <li>- هر دو به صورت فیزیکی وجود ندارند بلکه جنبه رویکردی و نگرشی هستند.</li> <li>- هر دو به توانایی‌ها و پتانسیل‌ها نهفته در بطن جامعه اشاره دارند.</li> <li>- هر دو مفهوم مدرنی هستند که در یک جامعه مردم سالار معنی پیدا می‌کنند.</li> <li>- هر دو امکان رهایی پلیس از دام‌های تجربی و سیستماتیک را فراهم می‌سازند.</li> <li>- هر دو بر اصل رضایت‌مندی مردمی تأکید داشته و رویکرد انسان‌مدارانه دارند.</li> <li>- هر دو به عنوان مکانیزمی عمل می‌کنند که نهایتاً به کنترل اجتماعی جامعه توسط پلیس می‌انجامد.</li> </ul>

هم‌چنین به عنوان پیشنهادات و ضرورت ذکر آن باید گفته شود که هر چند مطالعه نوشته شده غیرپژوهشی و اسنادی است ولی یافته‌های نظری حاصل از مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی ما را بر آن وا می‌دارد که با بیان پیشنهاداتی کاربردی امکان عملیاتی شدن یافته‌های علمی را در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی توسط برنامه‌ریزان فراهم سازیم. لذا پیشنهاداتی به شرح ذیل برای نیروی انتظامی ارائه می‌گردد:

- لزوم ارائه آموزش‌های عرضی و تکمیلی بر مبنای جامعه محوری (توجه هم‌زمان به تکنولوژی و تجربیات مردمی و بومی در آموزش)؛
- تلاش برای تدوین طرح راهبردی از پلیس جامعه محور در تمام رده‌های سازمانی پلیس؛
- اقدامات عملی در جهت نزدیک‌سازی مردم و پلیس و استفاده سازمان یافته از مشارکت مردمی؛
- تلاش برای تقویت بسیج مردمی، نگهبان محله و تشکل‌های غیررسمی و غیر دولتی؛
- کاهش فرایند انجام کار و تسریع در خدمت رسانی به مردم متناسب با استانداردهای جهانی؛
- توجه و احترام به ویژگی‌های فرهنگی ادیان و مذاهب مختلف؛



- تلاش برای درک سرمایه‌های اجتماعی و استفاده بهینه از آن‌ها در جهت کنترل اجتماعی؛
- گسترش اقدامات پیشگیرانه از طریق آموزش‌های همگانی و با استفاده از رسانه‌های جمعی؛
- ترویج فرهنگ مشارکت، همکاری و مساعدت پلیسی؛
- اتخاذ ساز و کارهای مناسب جهت دسترسی آسان مردم به پلیس در کلانتری‌ها و پاسگاه‌ها و حذف قوانین دست و پاگیر؛
- تسریع در روند اجرای حکم و کاهش فاصله زمانی جرم و تنبیه؛
- ضرورت شناخت ویژگی‌های فرهنگی بومی و محلی در ایران و برخورد متناسب با آن در پلیس؛

Archive 01

**منابع :**

- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰) *دموکراسی و سنت‌های مدنی*، مترجم: محمد تقی دلفروز، تهران، انتشارات روزنامه سلام.
- تاج‌بخش، کیان (۱۳۸۴)، *سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه*، تهران، نشر شیرازه.
- ترویبا ونویچ، رابرت و باکوروکس، بانی (۱۳۸۳)، *پلیس جامعه محور*، مترجم: مرکز تحقیقات کاربردی طرح و برنامه ناجا، تهران، انتشارات فرات.
- حمیدی، عزت‌الله (۱۳۵۳)، *اداره امور پلیس*، تهران، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی.
- دعاگویان، داود (۱۳۸۴)، *تعامل پلیس با مردم*، تهران، انتشارات جام جهان نما.
- علی نژاد، منوچهر (۱۳۸۵)، *تبیین جامعه شناختی امنیت اجتماعی، مشارکت مردمی و محله گرایی*، فصل نامه امنیت اجتماعی، شماره ۱، سال سوم.
- علیخواه، فردین (۱۳۸۳)، *سنجش مفاهیم اساسی علوم اجتماعی*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، *پایان نظم، سرمایه اجتماعی و حفظ آن*، مترجم: غلام‌عباس توسلی، تهران، نشر جامعه ایرانیان.
- فیلد، جان (۱۳۸۶)، *سرمایه اجتماعی*، مترجم: جلال متقی، تهران، انتشارات موسسه پژوهش‌تأمین اجتماعی.
- کارتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۷۴): *اقتصاد سیاسی در ایران*، مترجم: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران، انتشارات مرکز.
- کرایب، یان (۱۳۷۸): *نظریه اجتماعی مدرن (از پارسونز تا هابرماس)*، مترجم: عباس مخبر، تهران، انتشارات آگه.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظری جامعه‌شناسی* مترجم: منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.

- معتضد، خسرو (۱۳۸۳)، یکصد سال فراز و فرودهای نیروی انتظامی: جلد سوم ۱۳۵۷-۱۳۳۰، تهران، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های نیروی انتظامی.
- معتضد، خسرو (۱۳۸۳)، یکصد سال فراز و فرودهای نیروی انتظامی: جلد اول ۱۲۵۷-۱۳۰۰، تهران، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های نیروی انتظامی.
- معتضد، خسرو (۱۳۸۳)، یکصد سال فراز و فرودهای نیروی انتظامی: جلد دوم ۱۳۳۰-۱۳۰۰، تهران، مرکز تحقیقات و پژوهش‌های نیروی انتظامی.
- میس، اودین و اورتمایر، پی‌جی (۱۳۸۵)، رهبری، اصول اخلاقی و امور پلیس (چالش‌های پیش روی پلیس در قرن بیست یکم)، مترجم: حسین شاکری، تهران، انتشارات سازمان تحقیقات و مطالعات ناجا.
- هنس، کارن و میلر، لیندا ای (۱۳۸۲)، پلیس در اجتماع-راهبردی برای قرن ۲۱، مترجم: رضا کلهر، جلد یک، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی.

Archive